

جز برای حق محض نیست ، پس فرمانده و قائد معنوی مسلمانان دنیا همیشه حسین است نام او ، اقدام او ، سخنان او ، قبر او ، زندگی و غیرت و ایمان می بخشد ، حسین پس از ابراهیم خلیل و رسول اکرم سوم کسی است که از خانه خدا و در راه خدا و برای نجات خلق و اصلاح حال مردم در راه رضای خدا قیام نمود ، پس همیشه بابرکت بوده و همیشه با برکت میباشد تبریک حقیقی سزاوار مقدم و میلاد مبارک او است . خداوند برکات او را بیشتر مشمول حال ما گرداند ...

(۴۰)

شب پنجشنبه ۴ تیر ۲۶ - ۷ شعبان ۶۶

میخواستم برهان نظم و قانون را با ذکر چند نمونه از نظامات طبیعت که بفهم عموم نزدیک است ختم نمایم ، ولی چه باید؟! جهانی پر از اسرار و حکمت است ، جمال حکمت آن از هر گوشه رخ نشان میدهد و زمام اراده را بدست میگیرد .

اگر انسان با اخلاص بسوی طبیعت متوجه شد ، جمال آن بی پرده خودنمایی میکند و همواره انسان را رهبری می نماید ، تا او را با عماق و باطن خود بکشاند ، در هر نقطه این جهان آیات قدرت و حکمت نمایان است ، در بالای هر ذره آن پرچی از توحید در اهتزاز است ، ولی چشمی باید که این جمال و آیات و پرچمها را بشکند ، و گوشی باید تا تسبیح موجودات را بشنود و دلی باید که راز جهان را بفهمد ، گرچه بیشتر مردم تعقل نمیکنند .

من راز جهان را بدل شنیدم «طالع هشیار بدل کور و کر نباشد

چون بیشتر مردم جز خیالات خود را نمی بینند قلبشان در گورستان شهواتشان دفن شده و زندگی معنوی خود خاتمه داده اند و در میان هیاهوی آمال ندای وجدان خود را نمی شنوند ، و در میان دود و دوسها نور فطرتشان خاموش شده ، مسافری هستند که راه خود را نمی بینند ، و ابتداء و نهایت سیر را نمیدانند ، مفرورند بچیزهایی که از ذات و حقیقتشان بیرون است ، میدوند ولی بسوی هدف مجهولیکه هیچوقت بآن نمیرسند ، هر شامگاهان آثار فرسودگی و خستگی کوشش بی رویه و نرسیدن بمقصود را احساس میکنند ، باز روز دیگر حرکات پیشین را تکرار می نمایند . آنوقت اندکی بهوش می آیند که لشکر بانیان مرک را باقیافه جدی در اطراف بستر خود مینگردند ، و افواج حیاة را شکست خورده می بینند ، بیچاره انسان ! که در آنوقت روی زرد و پژمرده خود را بهر سو میگرداند و کمک می طلبد و با چشمان بی نور خود بکسان و فرزندان و اموالیکه موجب خوشی و بقاء خود می بنداشت نگاه میکند ! زبان برای ابراز منویات از کار افتاده ولی باناله جان سوزانده خود را

ظاهر میسازد، آن ناله ناله درد است، ناله رنج است، ناله خستگی تکابوی چندین سال عمر است، ناله حسرت است، ناله برهنه شدن از هر علاقه و ربطی است، ناله تاریکی زندگی بهد است، ناله منظره تمام خاطرات و اعمال گذشته است.

بندگان خدا: بخود آئید بدانید انبیاء مانند دیگران با عقل و زندقانی شما نمیخواستند بازی کنند، اگر حقیقتی باشد همان است که آنها فهمیده و گفته اند، اگر سخنی آنها را عقل باور نکند هیچ سخن باور کردنی در جهان نیست، آنها خود را در رنج و سختی انداختند، سنگ خوردند تهمت و ناسزا شنیدند، کشته و بدار آویخته شدند، تاخلاق را بحقیقت و سعادت هدایت کنند و با خدا آشنائی دهند، و عاقبت زندقانی را روشن نمایند، و انسان را بخودش بشناساند، و آیات توحید را در سراسر جهان بنمایانند.

این قرآن شما مسلمانانست که بی دربی بفکر و تعقل در آسمان و زمین و دریاها و اطوار زمین و خلقت نباتات و حیوانات دعوت میکند.

از چیزهاییکه قرآن آنرا از آیات بزرگ خلقت شمرده آب است که آیه رحمت و حکمت و قدرت خداوند است این موجودیکه علمای طبیعی میگویند از دو عنصر با اندازه معین ترکیب شده، منشأ زندقانی همه موجودات است و چون رحمت حق از هر جانب بفریاد تشنگان و افسرده گان میرسد، گاهی از اعماق زمین میجوشد و با فشار خود را بسطح زمین میرساند، گاهی بر هوا سوار میشود و باقوه باد بالای سر حیوانات و نباتات بچاره سایه می اندازد، و دانه دانه پائین می آید، و زمین مرده را زنده و هوا را پاک میکند، بسبزه ها و گلها رونق میدهد و همرا بخوشی و طرب و امیدارد، سالها از سینه کوه مانند نقره خام با آهنک موزون و نسیم روح بخش بسوی نوباوه گانی که در دامن کوه منزل گرفته اند سرازیر است.

گفته اند سرازیر است. «طالقاتی و زمانه ما»

خداوند: آب نماینده رحمت تو است که بی دریغ همیشه شامل حال بیچارگان است

و منبع آن تمام شدنی نیست !!

در آب خاصیت و سری است که در هیچ يك از اجسام نیست، همه میدانند که تمام جسمها، چه جامد چه سیال چه هوایی، بواسطه حرارت امتداد پیدا میکنند و بواسطه برودت جمع و بسته میشوند، جسمهای جامد بواسطه حرارت روان میشوند، و جسمهای روان بصورت گاز و هوا درمی آیند، هیچ موجودی در عالم از این قانون خارج نیست، گرچه درجه حرارتی که آنرا بصورت سائل و بخار در آورد در هر جسمی متفاوت است، فقط آب در میان تمام اجسام از این قانون بیرون است، یعنی آب هم بواسطه حرارت از هم باز میشود و هم بواسطه برودت، چون حرارت آب از چهار درجه بالای صفر افزوده شد منبسط میشود تا بجوش آید و بخار شود و از چهار درجه بالای صفر چون حرارت آن پائین آمد باز حجم آن افزوده میشود، اگر آب مثل دیگر اجسام بواسطه برودت حجمش

کمتر میگردید میدانید چه غذایی بر سر جانداران در زمستان می آمد؟ البته بیشتر شنفا متوجه نیستید که اگر آب در حال بسته شدن و بصورت یخ درآمدن حجمش کوچکتر میشود، تمام حوضها و رودها یکسره یخبندان میگردید، و قطره آبی یافت نمیشد، اما عمل اثباتی این خاصیت همان است که مردمان شهر از آن منزعجند، زیرا که حوضهای ظریف و لوله های آبشان بواسطه یخ می شکند و باید بوسیله پوشاندن گرم نگاهدارند و آنها را حفظ کنند و بواسطه پولی که در هر زمستان برای اینگونه پیش آمدها باید به بناء و کارگر بدهند، از زمستان و یخ عصبانی اند، ولی متوجه نیستند که بواسطه همین خاصیت و عمل یخها عملجات بی مزد و خرجی هستند که بزرگترین و پر قیمت ترین کار را انجام میدهند و هیچ توقعی ندارند و بجهد خود خواهی از باب کارها یعنی انسان نفع پرست، نه از کار خود دست میکشند و نه اعتصاب مینمایند، اگر این فعالیت یخها نبود این سرچشمه زندگانی را که آنرا آب می نامیم و بوسیله این لبت از آن تعبیر میکنیم، کدام کار گرها می توانستند از باطن کوهها استخراج کنند، همین آب که آبه رحمت حق است در نیرو و قدرت از آیات قدرت است، آب در میان سنگهای سخت کوه نفوذ میکند و بوسیله رطوبت هوا در لای بالای صخره ها جای میگیرد، چون سرمای هوا شدید میشود آن رطوبتها و آبها بصورت یخ درمی آید، روی همین خاصیت امتداد حجم بواسطه برودت، از هم باز میگردد و با قدرت تمام سنگرا می شکند و از هم متلاشی میکند تا برای رفقای خود که در اعماق کوهها حبس شده اند راه بیرون آمدن را باز کند و درهای رحمتی که بسته بود بگشاید. پروردگاز! این راز را بگوش آب که گفت؟! مگر آب جسمی مانند عموم اجسام نیست مگر از عناصری مرکب نشده که دیگر موجودات از آن ترکیب یافته اند؟ چه شده که راه خود را از مسیر عموم رفقای خود برگردانده؟! بواسطه برودت اجسام جمع و فشرده میشوند ولی او از هم باز میشود.

یکی از آثار همین عمل آب این است که در رحمت و راه استفاده موجودات از او در زمستان بسته نشود، چنانکه درهای رحمت در کوهستان بواسطه آن بروی بندگان باز میگردد، این است که گفتیم آب از آیات رحمت و قدرت و حکمت حق است، و از پرچمداران صفات و اسماء خداوند است.

اینک که چند نمونه از نظم و قوانین عالم را که بفهم عموم نزدیک است در این گفتارها بیان کردیم و این راه خدانشناسی را که برهان نظم و قانون است بهمین جا ختم میکنیم، خلاصه شکل و برهان و فورمول آن را بای طور درمی آوریم:

نظم و قانون در سراسر آثار طبیعت حکومت دارد، این قوانین و حکمتها و نظامات اثر ماده و طبیعت نمیتوان باشد، چون اولاً اینها آثار عقل و حکمت است، دیگر اینکه ماده و طبیعت را نظم و قانون مسخر نموده و اداره میکند، چون نظم و قانون از آثار ماده و طبیعت نیست، باید از فوق طبیعت و ماوراء ماده باشد.

خداوند تمام مسلمانان و شیعیان و غیره را معنوی عطا کند. (پایان)

